

تفسير احمد

سُورَةُ الزَّلْزَلَةِ

Ketabton.com

99

شماره

ترجمه و تفسير سورة «الزلزلة»

تتبع و نگارش: امين الدين سعيدي - سعيد افغانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سوره زلزله

جزء - (30)

این سوره در «مدینه» نازل شده و دارای 8 آیه است

وجه تسمیه:

این سوره به سبب افتتاح با خبر دادن از حادثه زلزله سخت، قبل از رسیدن و آمدن روز قیامت، «زلزله» یا «زلزال» نامیده شد. این سوره، پس از سوره‌ی نساء نازل شده است.

پیوند و ارتباط سوره زلزله با سوره البینه:

سوره ی «البینه» از مکافات مؤمنان و مجازات کافران بحث نمود، در این سوره می فرماید: اکنون آن وعد و وعید و آثارش فرا رسیده است. روی سفید و روی سیاه در آن روز از کسی پوشیده نیست. (سوره آل عمران 106 و 107).
این سوره عمدتاً بر سه محور اساسی می چرخد: در قدم اول بحث خود را از «اشراط الساعة» و نشانه های وقوع قیامت آغاز می کند، و به تعقیب آن بحث از شهادت زمین به تمام اعمال انسانها را بیان میدارد.
در بخش دیگر از تقسیم مردم به دو گروه «نیکوکار» و «بدکار» و رسیدن هرکس به اعمال خود سخن بعمل می آورد.

تعداد آیات، کلمات و حروف سوره:

این سوره دارای (1) رکوع، و (8) هشت آیات، (37) سی و هفت کلمه، (158) یک صد و پنجاه هشت حرف، و (83) هشتاد و سه نقطه است. (لازم به ذکر است که اقوال علماء در نوع حساب کردن تعداد حروف سوره های قرآن متفاوت و مختلف است. برای تفصیل این مبحث میتوانید به سوره الطور، تفسیر احمد مراجعه فرمایید.)

زمان نزول سوره زلزله:

درمورد اینکه سوره زلزله مکی است یا مدنی در بین علماء اختلاف وجود دارد. ابن مسعود، عطاء، جابر و مجاهد می فرمایند که: این سوره مکی است و یک قول ابن عباس (رض) هم در تایید همین است. قتاده و مقاتل می فرمایند که: که این سوره در مدینه نازل شده است و گفته ی دیگری از ابن عباس (رض) نیز در تایید مدنی بودن آن نقل شده است. بر مدنی بودن آن از این روایت ابوسعید خدری استدلال می شود که ابن ابی حاتم آن را از او نقل کرده است که هنگامی که این آیه ها نازل شدند: «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ (7) وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ (8)» من عرض کردم یا رسول الله صلی الله علیه وسلم آیا من تمام اعمال ام را خواهم دید؟ رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند، بلی! من عرض کردم، آیا گناهان بزرگ بزرگ را؟ فرمود، بلی. عرض کردم و گناهان کوچک کوچک را نیز؟ رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند، بلی. سپس من عرض کردم که پس من هلاک شدم. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند، متأثر نباش ابوسعید (رض)، چراکه هر نیکی به اندازه ی ده نیکی همانند خود خواهد بود. پایه ی استدلال از این حدیث بر مدنی بودن این سوره این است که ابوسعید خدری از مردم مدینه بود و پس از غزوه ی احد به سن بلوغ رسیده بود از این رو اگر این سوره زمانی نازل

شده که او به عنوان یک مسلمان در کنار رسول الله صلی الله علیه وسلم بوده است، چنان که از گفته ی او به دست می آید، پس این سوره باید مدنی باشد.

اسباب نزول زلزال:

اسباب نزول سوره «زلزال» این بود که کفار از روز قیامت و حساب بسیار سؤال می کردند و می گفتند: «أَيَّانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ»: «روز قیامت چه وقت است؟» «سوره القیامه/6» و مانند این از سؤالات دیگر در این مورد... پس خداوند جلّ جلاله در این سوره از نشانه های قیامت برایشان سخن گفت نه از وقت آن تا بدانند که علم قیامت فقط نزد اوست و هیچ راهی به سوی تعیین وقت آن برای آنان وجود ندارد.

فضیلت سوره زلزال:

در باره فضیلت این سوره احادیثی آمده است از آن جمله حدیث شریف ذیل به روایت انس بن مالک رضی الله عنه است که رسول الله صلی الله علیه وسلم به مردی از یاران خود فرمودند: «ای فلان! آیا ازدواج کرده ای؟ گفت: یا رسول الله! به خدا قسم که من چیزی ندارم تا با آن ازدواج کنم!! فرمودند: آیا «قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ» همراه تو نیست؟ گفت: چرا، هست. فرمودند: این سوره ثلث (یک سوم) قرآن است. فرمودند: إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللهِ وَالْفَتْحُ همراه تو نیست؟ گفت: چرا، هست. فرمودند: این سوره ربع (یک چهارم) قرآن است. فرمودند: آیا «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ» همراه تو نیست؟ گفت: چرا، هست. فرمودند: این سوره نیز ربع (یک چهارم) قرآن است. فرمودند: آیا «إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا» همراه تو نیست؟ گفت: چرا، هست. فرمودند: این سوره نیز ربع (یک چهارم) قرآن است؛ پس ازدواج کن».

همچنان در حدیثی دیگری از: حضرت انس و ابن عباس (رض) روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است که: سوره «زلزال» نصف قرآن و «اخلاص» یک سوم قرآن و «کافرون» یک چهارم قرآن است. (رواه النسائی وابن ماجه عنها)

پیام های سوره زلزال:

- 1 - زلزله بزرگ زمین در آستانه قیامت، امری قطعی و حتمی است. «إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا» (زیرا کلمه «إِذَا» در موردی بکار می رود که امر قطعی باشد).
- 2 - معاد جسمانی است. (جسم انسان ها در زمین دفن شده که در قیامت خارج میشود، نه روح آنها) «أَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا»
- 3 - قیامت روز تحیر انسان است. «قَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا»
- 4 - هستی شعور دارد. «يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا»
- 5 - زمین از گواهان قیامت است. «يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا»
- 6 - در قیامت راه هرگونه انکار بسته است. «يُرْوَا أَعْمَالَهُمْ»
- 7 - همه مردم در محمکه الهی عدل الهی یکسان اند. «فَمَنْ يَعْمَلْ... فَمَنْ يَعْمَلْ...»
- 8 - کیفر و پاداش الهی، بر اساس عمل است. «فَمَنْ يَعْمَلْ... فَمَنْ يَعْمَلْ...»
- 9 - عمل هر چه هم کوچک باشد، حساب و کتاب دارد. لذا نه گناهان را کوچک شمرد و نه عبادات را. «مِثْقَالَ ذَرَّةٍ»
- 10 - تجسم و دیدن عمل در آن روز خود عذاب یا لذت است.

محتوای سوره زلزال:

به طور کلی موضوعات مطرح شده در این سوره عبارتند از: وقوع زلزله هولناک زمین در هنگامه رستاخیز، بیان این حقیقت که در هنگامه قیامت و با وقوع زلزله شدید آن زمین بارهای سنگین خویش را بیرون می افکند بارهایی که به نظر بسیاری از مفسران تعداد عظیم انسان هایی است که از درون قبرها بر می خیزند، اشاره به این که در آن روز انسان علت حوادث را جویا می شود، تصریح به این حقیقت که زمین در آن روز عظیم تمامی اخبار خویش را بازگو می کند، تصریح به این حقیقت که وقایع آن روز به اشاره الهی است، اشاره به برانگیخته شدن انسان ها به صورت گروه های مختلف از درون قبرها اشاره به حساب و کتاب دقیق اعمال انسان در آن روز و این که هرکس حتی به اندازه ذره ای نتیجه عمل خویش را خواهد دید.

از مهمترین محورهای سوره مبارکه زلزال اشاره به زلزله وحشتناک روز قیامت است که در اصطلاح بر آن نفخ صور اول می گویند. در این روز انسان ها از این اتفاقات به شگفت می آیند. پیام این قسمت سوره مبارکه زلزال آن است که قبل از فرارسیدن این روز مومنان خود را باید برای حضور در صحنه رستاخیز آماده کنند. در بخش دوم سوره زلزال به برخورد انسان با اعمالش در روز قیامت اشاره شده در واقع حساب رستاخیز بسیار دقیق است و انسان ها باید مراقب اعمال خود باشند.

سوره زلزله با معرفی زمین به عنوان یکی از شاهدان اعمال، تأثیر بسزایی در مخاطبان خود به جا می گذارد، زیرا اگر کسی به این حقیقت توجه کند زمینی که بر آن ایستاده و درختان و کوه ها و سایر اشیائی که در اطراف او هستند، همچون چشمانی بیدار همه حرکات و افکار او را ثبت می کنند و روزی علیه او گواهی خواهند داد، هیچ گاه خود را تنها نمی یابد و به خود جرأت گناه نمیدهد.

ترجمه و تفسیر سُورَةُ زُلْزَلَةِ

جزء - (30)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدای بخشاینده و مهربان

إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا ﴿١﴾ وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا ﴿٢﴾ وَقَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا ﴿٣﴾ يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا ﴿٤﴾ بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَىٰ لَهَا ﴿٥﴾ يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِّيُرَوْا أَعْمَالَهُمْ ﴿٦﴾ فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ ﴿٧﴾ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ ﴿٨﴾

ترجمه موجز:

«إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا» (1) «هنگامی که زمین در نفخه اول به شدت و بیای پی داده شود».

«وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا» (2) «و زمین بارهای سنگین خود را بیرون میافکند».

«وَقَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا» (3) «و انسان میگوید: آن را چه شده است؟».

«يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا» (4) «آن روز (زمین) از خبرهای خود سخن میگوید».

«بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَىٰ لَهَا» (5) «چرا که پروردگارت به آن حکم کرده است».

«يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِّيُرَوْا أَعْمَالَهُمْ» (6) «در آن روز مردم به (حال) پراکنده بر آیند تا (کیفر) اعمال شان به آنان نماینده شود».

«فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ» (7) «پس هرکس به اندازه ذره ای کار نیک کرده باشد (پاداش) آن را خواهد دید».

«وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ» (8) «و هرکس به اندازه ذره ای کار بد کرده باشد (کیفر) آن را خواهد دید».

تفسیر سوره زلزله:

خوانندگان گرامی!

در آیات متبرکه این سوره ؛ موضوعاتی درباره ؛ نشانه های فرارسیدن قیامت، پاداش نیک و بد، مورد بحث قرار داده میشود.

«إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا» (1):

آن گاه که زمین به شدت تکان می خورد و به لرزه انداخته میشود و کوه های آن از هم می پاشد و تپه ها برابر میشوند و زمین به میدانی صاف و همواره و بدون فراز و نشیب تبدیل میشود.

و زمین بارهای سنگین خود را بیرون افکند. و انسان با خود بگوید: زمین را چه شده است؟ (که اینگونه سخت می لرزد). در آن روز زمین خبرهای خود را بازگو کند. چرا که پروردگارت به آن وحی کرده است. در آن روز مردم به طور پراکنده (از قبرها) بیرون آیند تا کارهای شان به آنان نشان داده شود. پس هر کس به مقدار ذره ای کار نیک کرده باشد همان را ببیند. و هرکس هم وزن ذره ای کار بد کرده باشد آن را ببیند.

«إِذَا...»: اشاره به زلزله شدید قیامت است (مراجعه شود به سوره: حج / 1).

کلمه (زُلْزَلَتْ) یعنی به شدت تکان خورد و پریشان شد و زمین با لرزه بزرگ خود که آخرین لرزیدن آن است به شدت ناموزون شد. و این ماهیت زلزله قیامت است که زلزله های دنیا نمونه های کوچک و محدود آن هستند.

«زُلْزَلْهَا»: زلزله ای که مخصوص زمین است و چگونگی و شدت آن را تنها پروردگار با عظمت میداند.

شروع سوره با خبری از زلزله ی زمین است که با زلزله ی دنیا فرق دارد؛ زیرا زلزله ی دنیا موقت و کوتاه مدت است و خرابی که به بار می آورد نیز موضعی است؛ اما زلزله ی قیامت یکسره و با شدت زیاد و خرابی مطلق و یکپارچه است و انسان ها در آن هنگام مانند انسان های مست هستند درحالی که مست نیستند و الله متعال می فرماید: «وَتَرَى النَّاسَ سُكَرَىٰ وَمَا هُمْ بِسُكَرَىٰ»: (الحج: 2) «و مردم را مست می بینی، درحالی که مست نیستند». از روایات اسلامی و تفاسیر تعدادی کثیری از علماء اسلام طوری معلوم میشود که: دفینه ها، قبلاً بیرون می آیند، ولی ممکن است دفینه هایی که قبل از قیامت بیرون آمده بودند، به مرور زمان زیر خاک رفته مدفون گردند، سپس در روز قیامت بیرون آیند، شاید حکمت ظاهر شدن دفینه ها این باشد که دوستانان مال با چشم خود ببینند، که مال، بیکار مانده است، و انسان (کافر با مشاهده این وضع) می گوید که چه شد این را (که زمین این چنین می لرزد و همه دفینه بیرون می آیند) در آن روز زمین همه (سخنان خوب و بد) خود را بیان می کند، زیرا دستور و هدایت پروردگار با عظمت چنین است.

در ترمذی و غیره کتب احادیث در حدیث مرفوعی آمده است، هر کسی که بروی زمین چه عملی انجام داده باشد فرق نمی کند چه اعمال خوب باشد و یا هم اعمال بد، زمین یک یک آنرا بیان می کند، و این گواهی و شهادت آن می باشد (در آن روز مردم به گروه های مختلف در آمده (از موقف و حساب) بر می گردند (کسانی که از حساب محشر فارغ شده اند بر می گردند، برخی جنتی و برخی جهنمی قرار گرفته به جنت و دوزخ می روند) تا که (ثمرات) حال خود را ببینند، پس کسی که (در دنیا) به قدر ذره ای نیکی میکند آن را خواهد دید، و کسی که به قدر ذره ای بدی می کند آن را خواهد دید (به شرطی که تا آن وقت آن بدی و نیکی بر قرار بماند، والا اگر به سبب کفر آن نیکی به باد رفته باشد و یا به سبب ایمان و توبه، بدی عفو گردد، آن مشمول این نمی باشد، زیرا نه آن نیکی باطل شده نیکی است و نه بدی عفو شده شر و بدی میباشد، لذا در میدان محشر آنها در جلو نمی آیند). امام بخاری در حدیثی از حضرت ابوهریره روایت کرده که پیامبر صلی الله علیه و سلم در مورد وقت و یکی از علایم قیامت فرموده است: «قیامت برپا نمی شود تا زمانی که علم از میان مردم برداشته می شود، و زلزله های فراوان به وقوع می پیوندد و زمان (برای طی مسافت) به هم نزدیک میشود و فتنه ها و بی بند و باری که همان قتل و کشتار است زیاد میشود و مال و ثروت شما بسیار شده و به وفور یافت می شود». (به روایت بخاری، حدیث شماره (989)).

مفهوم زلزله بزرگ قیامت را تاحدودی برای ما روشن میسازند، قیامتی که الله سبحان و تعالی وعده شکنجه کافران را در آن داده است و میفرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ» (سوره حج: 1) «ای مردم! از پروردگارتان بترسید، واقعاً زلزله قیامت چیز بزرگی است».

«وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا» (2):

و زمین گنجها و مرده های بطن خود را در نفخه دوم بیرون میاندازد». منظور از سنگینی زمین انسان است، عبارت از همان مخلوق مکلفی که برای بهشتی به پهنای آسمان ها و زمین خلق شده است. او وزین و سنگین است زیرا قبول امانت نموده و خداوند آسمان ها و زمین را برای وی رام کرده و جانشین خود در زمین ساخته است که اگر عقل او بر شهوتش چیره گردد از ملائکه برتر و اگر شهوت او بر عقلش چیره گردد از حیوانات پست تر ست.

امام طبری در جلد 30، صفحه 265 تفسیر خویش مینویسد: «زمین جسم همه مردگان را به صورت زنده بیرون می اندازد و مردگان درون زمین بر آن سنگینی می کند... و ابن عباس (رض) فرموده است: یعنی مردگانش را بیرون داد. و منذر ابن سعید فرموده اند: یعنی مرده های مدفون در بطن خود را بیرون داد. (آلوسی ۲۰۹/۳۰).

ابن کثیر نیز در جلد 4، صفحه 540 تفسیر خویش نوشته است: (یعنی آنچه از مردگان در زمین است را به بیرون پرت میکند. این نظر را چند تن از سلف ابراز داشته اند).

و در حدیث شریف به روایت مسلم و ترمذی از ابوهریره (رض) آمده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «تَلْقَى الْأَرْضُ أَفْلاذَ كِبْدِهَا أَمْثَالَ الْأَسْطُوانِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ فَيَجِيءُ الْقَاتِلُ فَيَقُولُ: فِي هَذَا قَتَلْتُ، وَ يَجِيءُ الْقَاطِعُ فَيَقُولُ: فِي هَذَا قَطَعْتُ رَحْمِي وَ يَجِيءُ السَّارِقُ فَيَقُولُ: فِي هَذَا قَطَعْتُ يَدِي، ثُمَّ يَدْعُونَهُ فَلَا يَأْخُذُونَ مِنْهُ شَيْئًا». «زمین پاره های جگر خود را بسان ستونهایی از طلا و نقره برون می افکند پس قاتل می آید و می گوید: در راه این (طلا و نقره) آدم کشتم. از هم گسلنده رحم می آید و می گوید: به خاطر این، پیوند رحم خود را قطع کردم. دزد می آید و می گوید: دست من در راه این، قطع شده است سپس همه آن ها آن طلا و نقره را فرو می گذارند و چیزی از آن نمی گیرند».

شایان ذکر است که زمین مردگان را در نفخه دوم برون می افکند.

«أَثْقَالُ»: جمع ثَقْل، بارهای سنگین. مراد همه گدازه ها و دفینه ها و گنجینه ها و اموات و جز اینها هستند که در قیامت، زمین آنها را بیرون می افکند. چنانکه در (آیه ای 1 سوره انشقاق) می فرماید: «وَأَلْقَتْ مَا فِيهَا وَ تَخَلَّتْ» (هكذا مراجعه شود به سوره: عنكبوت آیه: 13، و سوره: نحل آیه: 7).

«وَقَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا» (3):

و انسان می گوید: زمین را چه شده است؟ این گفته انسان از روی تعجب و ترس است. «الْإِنْسَانُ»: انسانی که تکان های غیر عادی و دگرگونی های وحشتناک زمین را می بیند. با خود می گویند «مَا لَهَا»: زمین را چه خبر است؟ آن را چه شده است؟ چه بلایی بر سر زمین آمده و به چه مصیبتی گرفتار شده است؟ که به این شدت می لرزد و هر چه را که در بطن دارد بیرون می اندازد؟ شکی نیست که مراد از این انسان سائل، انسان کافر به قیامت است اما انسان مؤمن، به آن علم و آگاهی دارد؛ زیرا که آن جزیی از عقیده ای اوست. انسان بنا بر قول اکثر مفسران عبارت است از آن انسان هایی که خوف و هراس آن روز را درک می کنند و اهل ایمان نیستند.

و نشانه های قیامت فقط برای بدترین انسان های روی زمین پدیدار می شود و اهل ایمان و حتی کسانی که ذره ای ایمان در قلب دارند با توجه به مفاد حدیث صحیح قبل از روز قیامت با نسیمی جان شان گرفته می شود و آن خوف و هراس روز قیامت را احساس نمی کنند و وقتی

هم که بیدار می‌شوند، بیدار شدن‌شان بسیار طبیعی و آرام می‌باشد و از وضعیت موجود هیچ تعجبی ندارند، چون به آنها (مؤمنین) در دنیا وعده داده شده بود که چنین اتفاقی خواهند افتاد. طوریکه در حدیث شریف آمده است: «يَبْعَثُ اللَّهُ رِيحًا كَرِيحِ الْمِسْكِ مَسُّهَا مَسُّ الْحَرِيرِ، فَلَا تَنْزُكُ نَفْسًا فِي قَلْبِهِ مِثْقَالُ حَبَّةٍ مِنَ الْإِيمَانِ إِلَّا قَبَضَتْهُ، ثُمَّ يَبْقَى شِرَارُ النَّاسِ عَلَيْهِمْ تَقَوْمُ السَّاعَةِ» (مسلم: 1924 و 2937 و 2940)

«يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا» (4):

در آن روز (که سرآغاز قیامت است) زمین خبرهای از اعمال نیک و بد ساکنان خود انسان‌ها را به زبان قال یا حال خواهد گفت که چه چیزهایی بر آن گذشته است. «يَوْمَئِذٍ»: در آن روز. بدل از (إِذَا) است.

«تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا»: «آن روز زمین خبرهای خود را از خیر و شر برای صاحبانش بازگوید و شهادت دهد.»

این سخن گفتن و بازگو کردن، یا به زبان قال است و زمین شاهد و ناظر اعمال انسانها بوده است، و یا این که به زبان حال است. یعنی وضع زمین بدان هنگام بیانگر همه چیز خواهد بود، و در چنین روزی حق و باطل پدیدار خواهد شد. «أَخْبَارَهَا»: اخبار زمین، اوضاع و احوالی است که در آن زمان به چشم می‌خورد، یا اعمال و افعالی است که مردمان بر روی آن انجام داده‌اند و اینک بدانها گواهی می‌دهد. چرا که همه چیز در جهان ثبت و ضبط است.

قابل تذکر است که: یکی از شاهدها بر اعمال انسان زمین می‌باشد. انسان هر حرکتی اعم از شر یا خیر بر روی زمین انجام دهد، یکی از شاهدانش زمین است، هر کاری اعم از طاعت و یا معصیت که انجام داده باشد.

در حدیثی از ابو هریره (رض) روایت شده است که «پیامبر صلی الله علیه و سلم آیه ی «يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا» را قرائت کرد و فرمود: آیا می‌دانید اخبار زمین چیست؟ گفتند: الله و پیامبر داناترند. فرمود: اخبار آن این است که بر هر زن و مرد گواهی می‌دهد که بر روی آن چه عملی را انجام داده‌اند، و می‌گوید: در فلان روز چنین و چنان عملی را انجام داده‌اند، پس اخبارش این چنین است» (ترمذی آن را روایت کرده و گفته است: حسن صحیح است).

و در حدیث دیگری آمده است: «از زمین حذر کنید و شرم داشته باشید؛ چون زمین مادر شما می‌باشد و هر کس بر روی زمین هر عمل خیر یا شر را انجام دهد، از آن خبر می‌دهد.» (طبری آن را در «معجم» روایت کرده است).

«بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَى لَهَا» (5):

«بدان سبب است که پروردگار تو به او (زمین) پیام داده است.» (که چه بشود و چه بگوید). منظور اینست که خداوند، زمین را بر سخن گفتن توانا کرده و امر به کلام نموده است.

«بِأَنَّ رَبَّكَ...»: حرف باء، سببیه است. «أَوْحَى»: پیام داد، فرمان داد (مراجعه شود سوره: نحل/ 68). که سخن بگوید و تمام وقایع اتفاق افتاده بر آن را بر زبان آورد. پس، از نافرمان و گناهکار شکایت می‌کند و بر او گواهی می‌دهد. و از مطیع و فرمانبر سپاسگزاری نموده و از او تمجید می‌کند.

«يَوْمَئِذٍ يَصْنُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِّيرَوَا أَعْمَالَهُمْ» (6):

«در آن روز، مردمان پراکنده بیرون می‌آیند». (ورسپار صحراي محشر میشوند) تا نتیجه اعمال خویش را ببینند).

یعنی فرد فرد و متفرق، بدون تجمع، بدون همفکر و همراه و همکار، بدون هیاهو و غالمغال و تکبر با این حال که الله سبحان و تعالی در آیه 65 سوره یس وصف نموده است: «امروز بر دهان های شان، مُهر می نهیم و دستانشان با ما سخن میگویند و پاهایشان بر دستاوردهایشان شهادت می دهند».

«يَصْنُرُ»: بیرون می آیند از قبر.

«أَشْتَاتًا»: جمع شتیت، پراکنده‌ها. مراد دسته دسته و فرد فرد است. حال است.

طبق نظر علما «أَشْتَاتًا» در سه معنی به کار رفته است:

1 - متفرق و تنها، بعضی به سمت چپ و بعضی به سمت راست می روند و هر کس خودش تنهاست.

2 - مسلمانان در جهتی و کافران در جهتی دیگر می روند.

3 - هر گروه و قومی با همسان خود و همراه با رئیسانشان؛ مشرک با مشرک، رباخوار با رباخوار.

«لِّيرَوَا أَعْمَالَهُمْ»: «تا پاداش اعمالی که انجام داده‌اند ببینند که آیا جنتی اند یا جهنمی؟» یعنی آنان می‌روند به سوی جایگاهی که در آنجا اعمالشان به آنها نشان داده می‌شود تا آنها را ببینند و با سزا و جزای آنها رویاروی گردند. گاهی رویاروی شدن انسان با عمل خودش سخت‌تر و بدتر از هر سزا و جزائی است. برخی از کارها است که انسان از رویاروی شدن با آن گریزان و نفرت دارد.

مفسرین می نویسند: مردم در روز قیامت بر احوال مختلف و پراکنده‌ای از گورهای خود به سوی محل و ایستگاه های حساب بیرون می آیند؛ برخی از آنان در امان و اطمینان و برخی ترسناک، برخی به رنگ اهل بهشت‌اند که رنگ سپید است و برخی به رنگ اهل دوزخ که رنگ سیاه است، برخی به سمت راست باز می‌گردند و برخی به سمت چپ چنان که در ادیان و اعمال خویش نیز متفرق اند.

مفسر ابن‌کثیر در تفسیر آن می فرماید: «مردم از موقف حساب گروه‌گروه باز می گردند». یعنی: در حالی که به انواع و اصناف مختلفی تقسیم شده‌اند، از شقی گرفته تا سعید و از بهشتی تا دوزخی. بلی! باز می‌گردند: «تا اعمالشان به آنان نشان داده شود» یعنی: تا خداوند جلّ جلاله اعمال شان را به آنان ارائه نماید و بگوید: اینک این شما و این هم اعمالتان. یا معنی این است: تا خداوند جلّ جلاله جزا و نتیجه اعمالشان را به آنان نشان دهد.

اعمال فقط نوشته شده نیست بلکه دیده می‌شود که چه گناہانی را انجام داده اند و یا چه اعمال نیکی را انجام داده‌اند؛ انسان ها تمام اعمال و گناہان صغیره و کبیره خویش را می‌بینند و آن را تأیید هم می کنند.

هكذا بحث جزای عمل نیست، فرموده است: «لیروا جزاءهم» بلکه اعمال شان به صورت دقیق و کامل و بدون کم و کاست به آنها نشان داده می‌شود؛ در سوره‌ی آل عمران الله سبحان و تعالی صحنه‌ی قیامت و اعمال انسان‌ها را به تصویر کشیده می فرماید: «يَوْمَ تَجُذُّ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُّحْضَرًا» (سوره آل عمران: 30) روزی می‌رسد که هر نفسی هر کار خیری را انجام داده است، به صورت فیلمی برایش نمایش داده می‌شود؛ کلمه‌ی

مُحَضَّر همین معنی را افاده می‌کند، محضّر یعنی دقیقاً زنده کردن چیزهایی که انسان فکر می‌کند انجام داده و به عبارتی از بین رفته و به تعبیر قرآن پرواز کرده است. همچنان که در آیهی دیگری از قرآن عظیم الشان آمده است: «وَكُلُّ إِنْسَانٍ أَلْزَمَتْهُ طَيْرُهُ فِي عُقْبِهِ» (الإسراء: 13) هر عملی را که انسان انجام داده است (طائر یعنی پرنده و منظور نامه‌ی اعمال است) همه را جمع می‌کنیم و به او ملحق می‌کنیم کلمه‌ی «أَلْزَمَتْهُ» یعنی به او ملحق ساختیم. «فِي عُقْبِهِ» آن کارهایی را که انجام داده و فکر می‌کند که تمام شده است. چنین نیست، بلکه همه‌ی گفته‌ها و کرده‌ها ثبت و ضبط می‌شوند.

«فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ (7) وَ مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ (8):»

پس هر کس به اندازه ذره غباری کار و عمل نیک انجام دهد، و یا بدی کسب نموده باشد، پاداش و سزای خود را خواهد دید.

«مِثْقَالَ ذَرَّةٍ»: به اندازه ذره خاک (برخی آن را مورچه ریز میدانند که نماد ریزی در میان عربها است. (ملاحظه شود سوره: نساء/ 40، سوره یونس/ 61) همچنان علماء: در مورد کلمه «ذَرَّةٍ» مینویسند که: ذره: عبارت از گرد و غباری است که در شعاع آفتاب دیده میشود.

و ابن عباس (رض) فرموده است: اگر کف دست را روی زمین بگذاری و سپس آن را بلند کنی هر جزء خاکی که به دستت چسبیده است، ذره می‌باشد. (اخراج از مسلم). مفسر قرطبی فرموده است: این مثال را آورده است تا نشان دهد که از اعمال کوچک و بزرگ فرزندان آدم غافل نیست. و مانند فرموده‌ی «إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ» می‌باشد. (اخراج از ترمذی).

نظر علما در مورد کلمه «ذَرَّةٍ»:

- 1 - مورچه‌های کوچک قهوه‌ای رنگ.
- 2 - ذره‌های ریک.
- 3 - گرد و غباری که به همراه نور آفتاب در نور روز دیده می‌شود.
- 4 - منظور از ذره هرچیز کم است و حسنه‌ی خیلی کم، حتی لبخندی هم، در میزان اعمال حساب می‌شود و جزا داده می‌شود.

فحوای جمله «فَمَنْ يَعْمَلْ... فَمَنْ يَعْمَلْ» آیات متبرکه این فهم را میرساند که: مجازات و مکافات الهی بر اساس عمل است، عمل هر چه هم کوچک باشد، حساب و کتاب دارد. لذا نه باید گناهان را کوچک بشماریم و نه عبادات را. درضمن تجسم و دیدن عمل در آن روز خود عذاب است و یا هم لذت.

در حدیث شریف آمده است: «هیچ کس نیست مگر این‌که خود را در روز قیامت ملامت می‌کند زیرا اگر نیکوکار باشد، با خود می‌گوید: چرا بر نیکوکاری خود نیفزودم؟ و اگر غیر از این باشد هم می‌گوید: چرا از گناهان دست نکشیدم؟» و این امر در هنگام مشاهده ثواب و عقاب است. ابن مسعود رضی الله عنه می‌گوید: «آیه فَمَنْ يَعْمَلْ... محکمترین آیه در قرآن کریم است».

قابل تذکر است که: علما بر عام بودن این آیه اتفاق نظر دارند. کعب احبار می‌فرماید: «خداوند متعال بر محمد صدو آیه نازل کرده است که تمام آنچه را در تورات، انجیل، زبور و صحیفه‌هاست، دربر گرفته‌اند، این دو آیه عبارت‌اند از: «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ ۖ وَ مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ ۖ» (الزلزلة: 7 - 8).

همچنین در حدیث شریف به روایت ابن جریر و ابن ابی حاتم آمده است که ابوبکر صدیق (رض) به رسول الله صلی الله علیه وسلم گفت: یا رسول الله! آیا من در روز قیامت همسنگ ذره‌ای از عمل شر را که عمل کرده باشم، می‌بینم؟ رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «ای ابابکر! ناخوشی‌هایی که در دنیا می‌بینی، کفاره مثقال‌های ذره شر است اما خداوند متعال مثقال‌های ذره خیر را برایت ذخیره می‌کند تا این‌که در روز قیامت آن‌ها را باز می‌یابی».

سعید بن جبیر (رض) در شأن نزول آیه مبارکه می‌فرماید: چون آیه: «وَيُطْعَمُونَ أَلْطَعَامَ عَلَىٰ حَبِّهِ» (الإنسان: 8) نازل شد، مسلمانان بر این پندار بودند که در برابر چیزهایی اندکی که به نیازمندان می‌دهند، پاداشی ندارند و عده دیگری نیز بر این باور بودند که در برابر گناه اندک مورد سرزنش قرار نمی‌گیرند، مانند یک دروغ، یک نگاه حرام، یک غیبت و امثال این‌ها؛ و می‌گفتند: جز این نیست که الله متعال فقط در برابر ارتکاب گناهان کبیره ما را به دوزخ هشدار داده است، نه در برابر گناهان صغیره! همان بود که الله سبحان و تعالی این آیه را نازل فرمود.

در حدیث شریف آمده است که چون رسول الله صلی الله علیه وسلم درباره زکات الاغ مورد سؤال قرار گرفتند، فرمودند: «الله متعال درباره آن جز این آیه بی‌نظیر و جامع را بر من نازل نکرده است: «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ»^۷ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ»^۸ (الزلزلة: 7-8). بنابراین، این آیه را آیه: «فاذ جامع» یعنی یکتا، بی‌نظیر و فراگیر نامیدند.

خوانندگان گرامی! قابل تذکر است که: علما بر عام بودن این آیه اتفاق نظر دارند. کعب احبار می‌گوید: «خداوند جلّ جلاله بر محمد صلی الله علیه و آله و سلم دو آیه نازل کرده است که تمام آنچه را در تورات، انجیل، زبور و صحیفه هاست، دربر گرفته‌اند، این دو آیه عبارت‌اند از: «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ».

همچنین در حدیث شریف به روایت ابن جریر و ابن ابی حاتم آمده است که ابوبکر صدیق رضي الله عنه به رسول خدا صلی الله علیه و سلم گفت: یا رسول الله! آیا من در روز قیامت ذره‌ای از عمل شر را که عمل کرده باشم، می‌بینم؟ رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: «ای ابابکر! ناخوشی‌هایی که در دنیا می‌بینی، کفاره مثقال‌های ذره شر است اما خداوند جلّ جلاله مثقال‌های ذره خیر را برایت ذخیره می‌کند تا این‌که در روز قیامت آنها را باز می‌یابی».

وظیفه کاری شیطان در روز حشر:

قبل از همه باید گفت: که از احادیثی و روایات اسلامی طوری معلوم می‌گردد که با برپایی قیامت و دمیده شده نفخ صور همه موجودات خواهند مُرد و قطعاً در این جمله: ابلیس نیز مانند سایر انس و جن از بین خواهد رفت، اما کیفیت نابودی و مردن وی بر ما مشخص نیست، جز اینکه مطابق فحوی کلی سوره «زلزله» باید بگوییم که: در هنگام نفخ صور اول زلزله بسیار هولناکی اتفاق می‌افتد که از ترس آن زن شیرده نوزاد شیرخواره اش را فراموش می‌کند.

در قرآن کریم آمده: «قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمٍ يَبْعُثُونَ * قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ * إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ» (سوره ص 79-81). یعنی: ابلیس گفت: پروردگارا! پس مرا تا

روزي که مردمان برانگیخته میشوند، مهلت ده» یعنی: مرا شتابان نمیران و به من تا یک نهایتی مهلت ده که آن نهایت، روز برانگیخته شدن آدم و نسل وی بعد از مرگشان است.

خداوند متعال «فرمود:» پذیرفتم «تو از مهلت یافتگانی تا روز معین معلوم» که من آن را برای فناء خلائق مقدر و معین کرده ام.

در این آیه ذکر شده که ابلیس تا «وقت معلوم» فرصت دارد، اما علما و مفسرین در معنای آن دو نظر دارند:

اول: اجل ابلیس مشخص است و علم آن تنها نزد خداوند است که چه وقت اجلش به سر خواهد رسید.

دوم: گروهی از مفسرین گفته اند که: آن وقت دمیدن نفخه دوم و هنگام برانگیخته شدن خلائق است.

دلیل این که ابلیس تا روز رستاخیز مهلت خواست، این بود که از مرگ نجات یابد زیرا اگر او تا روز رستاخیز مهلت می یافت، نمی مرد پس خداوند متعال او را مهلت داد اما نه تا روز رستاخیز بلکه تا روز «صعق» که روز مرگ همه مخلوقات است:

«وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَى فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ» (سوره زمر 68) «و در صور دمیده می شود پس هر که در آسمانها و هر که در زمین است بی هوش در می افتد» این همان نفخه دوم یا نفخه «صعق» است.

صعق: عبارت از مرگ فوری است. صور: بوق یا شاخی است که اسرافیل در آن می دمدم و از بس صدایی هولناک دارد، تمام اهالی آسمانها و زمین از ترس آن می میرند.

سوم: اکثر علما فرموده اند که منظور از «وقت معلوم» یعنی نفخه اول (فزع) است که دمیده میشود که جمیع خلائق می میرند، یعنی حتی بعد از نفخه دوم هم نیست، زیرا نفخه دوم برای برانگیخته شدن پس از مردن است. و رأی ابن عباس رضي الله عنه هم همان نفخه اول است.

بعضی نفخه فزع و صعق را یکی نمیدانند، اما در کتاب «تذکره» امام قرطبی آمده است:

«نفخه فزع همان نفخه صعق است، چون ترس و وحشت لازم و ملزوم همدیگرند، مردم ابتدا دچار ترس و هراس صدای قیامت می شوند، سپس جان به جان آفرین تسلیم میکنند». اما در قیامت سخت ترین عذاب برای اوست، و هیچگاه پایانی بر عذابش وارد نمیشود و تا ابد در عذاب سخت الهی قرار میگیرد. خداوند متعال بعد از آنکه به شیطان مهلت داد، به وی وعید می دهد که: «قَالَ فَالْحَقُّ وَالْحَقُّ أَقُولُ * لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكَ وَمِمَّنْ تَتَّبَعُ مِنْهُمْ أَجْمَعِينَ» (ص 84-85). یعنی: فرمود: «به حق سوگند، و حق می گویم، که جهنم را از تو و هر کدام از آنان که از تو پیروی کند، پر خواهم کرد!». بدین گونه، خداوند عزوجل سوگند یاد میکند که ابلیس و پیروانش را به دوزخ وارد خواهد کرد تا بدانجا که دوزخ از آنان پر و انباشته شود.

چگونگی حشر انسانها در روز قیامت:

مفسرین در مورد اینکه انسانها در روز قیامت در چه حالت بدنی حشر میشوند، می نویسند: انسانها در روز حشر در حال پا برهنگی، لخت و غیر ختنه شده حشر خواهند شد.

این علماء استدلال خویش را به حدیث، صحیح مسلم و بخاری که از ابن عباس رضي الله عنه روایت گردیده مستند میسازند: که رسول الله صلي الله عليه وسلم فرمودند: «إِنَّكُمْ مَحْشُورُونَ حُفَاةَ عُرَاةٍ غُرْلًا ثُمَّ قَرَأَ: «كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِيدُهُ وَعَدَّا عَلَيْنا إِنَّا كُنَّا فَاعِلِينَ» (سوره الأنبياء: 104). (شما پابرهنه، لخت و غیر ختنه شده مبعوث خواهید شد، سپس آیه ذیل را از قرآن برای یاران تلاوت فرمود: (همان گونه که (نخستین بار سهل و ساده) آفرینش را سر دادیم، آفرینش را از نو بازگشت میدهم).

محدثین می افزایند: زمانی که حضرت بی بی عایشه رضي الله عنه از رسول الله صلي الله عليه وسلم شنید که مردم روز قیامت عریان و برهنه حشر خواهند شد، عرض کرد: ای پیامبر الله! زنان و مردان همه به سوي همدیگر نگاه خواهند کرد؟ رسول الله صلي الله عليه وسلم فرمودند: ای عایشه، صحنه خطرناکتر از این خواهد بود که مردم بسوي همدیگر نگاه کنند. (مشكاة المصابيح: 57/3).

البته در بعضی روایات آمده است که انسان در همان لباسی که هنگام مردن به تن داشته، حشر میشود، ابو داود، ابن حبان و حاکم از ابوسعید خدری نقل کرده اند که هنگام احتضار از اطرافیان خواست تا لباس تازه ای برای او بیاورند، سپس آنرا پوشید و فرمود از رسول الله صلي الله عليه وسلم شنیده ام که می فرمود: «إِنَّ الْمَيِّتَ يَبْعَثُ فِي ثِيَابِهِ الَّتِي يَمُوتُ فِيهَا» سلسله احادیث الصحيحة، شماره 1671. (همانا میت در همان لباسی که در آن رحلت کرده است، حشر میشود). حاکم این حدیث را صحیح و موافق با شرایط صحیح بخاری و مسلم قرار داده است. امام بیهقی با سه روش میان این حدیث و حدیث گذشته توافق ایجاد نموده است:

1 - لباسی که هنگام مرگ به تن داشته اند، بعد از بلند شدن از قبر پاره می شود، در نتیجه برهنه و لخت در مقابل حشر قرار میگیرند، اما بعد از موقف حشر لباس بهشتی به تن می کنند.

2 - زمانی که پیامبران و بعد از آنها صدیقین و به دنبال صدیقین بنا به مراتب، انسان های دیگر لباس میپوشند، جنس لباس هر کدام از همان لباسی است که هنگام مرگ به تن داشته است، ولی هنگام ورود به خلد برین لباس بهشتی به تن می کنند.

3 - منظور از لباس در حدیث بعدی، اعمال هستند، یعنی هر انسانی در حال انجام عملی حشر می شود که موقع مردن مشغول انجام آن بوده است، خداوند میفرماید: «وَلِبَاسُ التَّقْوَى ذَٰلِكَ خَيْرٌ» (سوره الأعراف: 26) (لباس تقوا و ترس از خدا، بهترین لباس است).

«وَتِيَابِكُمْ فَطَهِّرْ» (سوره المدثر: 4) (و جامه خویش را پاکیزه دار (و خویشتن را از آلودگی ها پاک گردان).

امام بیهقی برای توجیه جواب سوم به حدیثی از کاکایش استدلال میکند که رسول الله صلي الله عليه وسلم فرموده: «يَبْعَثُ كُلُّ عَبْدٍ عَلَى مَا مَاتَ عَلَيْهِ». (النهاية ابن کثیر 288/1). (هر انسان در حال انجام عملی مبعوث و محشور میگردد که موقع مردن مشغول انجام آن بوده است).

هر چند از حدیث جابر در صحیح مسلم نمی توان استنباط کرد که انسان در همان لباسی حشر می شود که در آن وفات کرده است، چون مفهوم حدیث بنا به دلایل دیگر این است که انسان اگر هنگام مرگ بر کفر یا ایمان، شک یا یقین جهان را وداع گفته باشد در قیامت

هم بر همان حال و وضعیت زنده می شود و به بارگاه الهی می شتابد، همانگونه که در حدیث دیگر آمده انسان بر همان کرداری حشر می گردد که هنگام مرگ آنرا انجام می داد، حدیث مسلم از عبدالله بن عمر این مفهوم را تأیید می نماید که میفرماید از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدم که میفرمود: «إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ عَذَابًا أَصَابَ الْعَذَابُ مَنْ كَانَ فِيهِمْ ثُمَّ بُعِثُوا عَلَى أَعْمَالِهِمْ» (اگر خداوند اراده کند که قومی را در دنیا مجازات کند، آنها را دچار عذاب و هلاکت می سازد، سپس با همان حالت آنها را زنده میکند) صحیح مسلم: (2206/2) شماره: (2879).

اگر کسی در حالت احرام بمیرد، روز قیامت در حال لبیک گفتن حشر می شود، بخاری و مسلم از حضرت عبدالله بن عباس رضي الله عنه روایت میکند که مردی در سفر حج با رسول الله صلی الله علیه وسلم همراه بود، از روی شتر خود افتاد و گردنش شکست و مرد، رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «اغسلوه بماءٍ وسدرٍ وكفّنوه في ثوبين ولا تحطّوه ولا تخمروا رأسه فإنه يبعث يوم القيامة ملبياً» مشکاة المصابيح: 520/1 و شماره حدیث: 1637 میباشد. (با آب و سدر او را غسل دهید و در همان دو پارچه احرام او را کفن دهید، به او عطر نزنید و سرش را نپوشانید، چون در روز قیامت در حالت احرام و لبیک گفتن حشر خواهد شد).

شهید روز قیامت در حالی حشر می شود که از زخمش خون می ریزد، رنگ خون قرمز است، ولی بوی عطر از آن بلند می شود.

با توجه به روایات مذکوره تلقین مریض درحال مرگ در حالت مردن به لا اله الا الله مستحب است تا در حالت توحید بمیرد و روز قیامت در حالت توحید حشر شود.

یاد داشت:

خداوند عیناً همان انسانهای مرده را زنده میکند، اما این آفرینش با حیات دنیوی اندکی متفاوت است، یکی از تفاوت های قابل ملاحظه این است که جسد تازه با وجود بلا و مصیبت های فراوان، نابود نمی شود، خداوند میفرماید: «وَيَأْتِيهِ الْمَوْتُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَمَا هُوَ بِمَيِّتٍ» (سوره ابراهیم: 17). (مرگ از هر سو بدو روی می آورد و حال این که نمی میرد).

در حدیثی که حاکم با سند صحیح از عمرو بن میمون اودی روایت می کند، آمده که معاذ بن جبل بلند شد و فرمود: «يا بني أود! إني رسول رسول الله صلي الله عليه وسلم تعلمون المعاد إلي الله، ثم إلي الجنة أو إلي النار، وإقامة لا ظعن فيه، وخلود لا موت في أجساد لا تموت» سلسله الاحادیث الصحیحة: (1668).

یعنی: ای بنی اود من فرستاده رسول خدا هستم، شما از برگشتن بسوی خداوند مطلع هستید، بعد از آن مسیر نهائی به سوی بهشت است یا به دوزخ، در قیامت زندگی ماندگار است و کسی کوچ نمیکند، همه برای ابد آفریده میشوند و مرگ در کسی را نمی زند، اجساد برای نابودی زنده نمی شوند.

از جمله این تفاوت ها دیدن و رویت موجوداتی است که در دنیا آنها را نمی دیدند، یا نمی توانستید آنها را ببینید، چون انسان ها در آن روز، فرشتگان و جن ها را می بینند، همچنین یکی دیگر از تفاوت ها و شگفت های قیامت این است که بهشتیان آب دهان، ادرار و مدفوع ندارند.

این تفاوت ها به معنی آن نیستند که زنده شدگان قیامت موجوداتی مخالف مخلوقات قیامت هستند، همانگونه که ابن تیمیه میفرماید: «هر دو حیات از یک جنس واحد هستند، در صفات و حالاتی با هم متفق، مشابه و متماثل هستند و در برخی حالت دیگر با هم شباهتی ندارند، بر این اساس است که قیامت را مبدأ می نامند، چون هر چیزی به اصل و اساس خودش بر می گردد، بنا بر این لفظ «اعاده» مقتضی مبدأ و معاد است». مجموع الفتاوی: (253/17).

یاد داشت:

اهل جنت به بهترین و زیباترین شکل و صورت (یعنی: شکل و صورت پدر خود حضرت آدم علیه السلام وارد بهشت می شوند. پس هیچ شکل و صورتی کامل تر و زیباتر از صورتی که خداوند آدم ابوالبشر را بر آن آفریده است وجود ندارد. خداوند آدم را با دست های خود آفریده، آفرینش وی را به اتمام رسانده و به زیباترین صورت او را در آورده است. لذا هر کس که وارد بهشت شود، به صورت آدم و ساختار جسمی او خواهد بود. خداوند آدم را بسیار قد بلند، مانند: درخت خرما بلند آفریده است که طول او شصت ذراع بوده است. در صحیح مسلم از حضرت ابوهریره رضی الله عنه روایت شده که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: خداوند آدم علیه سلام را مورد پسند خود آفریده است. بلندی قدش شصت ذراع است. لذا هر کس که داخل بهشت شود بر همان صورت آدم داخل می شود. طولش شصت ذراع است. بعد از آفریدن آدم ارتفاع قامت انسانها همواره رو به کاستی بوده است». صحیح مسلم، کتاب: الجنة، باب یدخل الجنة اقوام افئدتهم مثل افئدة الطیر: 2841.

و از جمله زیبایی صورت و چهره های اهل بهشت این است که مانند نوجوان بدون ریش خواهند بود. چنان به نظر میرسند که سرمه کشیده اند، و همهی آنها 33 ساله وارد بهشت میشوند.

در مسند احمد و سنن ترمذی از معاذ بن جبل روایت شده که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «یدخل اهل الجنة جرماً مردأً کانهم مکحلون ابناء ثلاث و ثلاثین». (اهل جنت در حالی وارد جنت میشوند که مجرد و بدون ریش هستند. چنان زیبا خواهند بود، که گوئی سرمه به چشم کشیده اند و 33 سال عمر دارند). صحیح مسلم: (7928).

یاد داشت:

اهل دوزخ به شکل و صورتی بسیار بیمناک و فربه - که مقدار حجم آنها جز پروردگار کسی دیگر نمیتواند، اندازه کند- وارد دوزخ می شوند. در حدیثی که ابوهریره آن را از رسول الله صلی الله علیه وسلم نقل می کند، چنین آمده است: «ما بین منکبی الکافر مسيرة ثلاثة ايام للراکب المسرع». صحیح مسلم، باب النار یدخلها الجبارون (2190/4).

یعنی: (در روز قیامت لاشهی کافر چنان بزرگ می شود که اسب سوار تند و تیز در طی سه روز می تواند فاصلهی میان دو شانهی آن را بپیماید).

بزرگی حجم و جسم کافر بخاطر آن است تا به عذاب و شکنجه اش افزوده شود. امام نووی در شرح این احادیث می فرماید: «همه اینها بخاطر آن است که شکنجه اش به حد نهائی برسند. آری ایمان به همه این کارها واجب است. چون رسول صادق المصدق بدان خبر داده است. شرح نووی علی مسلم: (186/17).

ابن کثیر در شرح و توضیح این احادیث می‌گوید: «لیکون ذلک انکی فی تعذیبهم، واعظم فی تعبهم و لهیبهم، کما قال شدید العقاب: (لیذوقوا العذاب)» (نهایه) لابن کثیر. (این افزودگی به لاشه‌ی کافر بدان جهت است تا عذاب بیشتری را بچشد، همانطور که خدای شدید العقاب می‌فرماید: تا عذاب را بچشد). والله اعلم

پناه گزینان عرش الهی:

بخاری و مسلم در صحیح خود از ابی هریره، روایت می‌کند که رسول اکرم الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «سَبْعَةٌ يَظِلُّهُمْ اللَّهُ فِي ظِلِّهِ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ الْإِمَامُ الْعَادِلُ وَشَابٌّ نَشَأَ فِي عِبَادَةِ رَبِّهِ وَرَجُلٌ قَلْبُهُ مُعَلَّقٌ فِي الْمَسَاجِدِ وَرَجُلَانِ تَحَابَّا فِي اللَّهِ اجْتَمَعَا عَلَيْهِ وَتَفَرَّقَا عَلَيْهِ وَرَجُلٌ طَلَبَتْهُ امْرَأَةٌ ذَاتُ مَنْصِبٍ وَجَمَالَ فَقَالَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ وَرَجُلٌ تَصَدَّقَ أَخْفَى حَتَّى لَا تَعْلَمَ شِمَالُهُ مَا تُنْفِقُ يَمِينُهُ وَرَجُلٌ ذَكَرَ اللَّهَ خَالِيًا فَفَاضَتْ عَيْنَاهُ». (بخاری کتاب اذان، باب «من جلس فی مسجد».)

روزی که مردم در میدان محشر در گرمای سوزان آفتاب با سختی‌هایی مواجه میشوند که کوه‌های بلند و محکم تاب و توان تحمل آن را ندارند، هفت گروهی از برگزیدگان زیر سایه عرش الهی در نهایت آرامش و اطمینان به سر می‌برند و از این ناراحتی و هراسی که دیگران را فرا گرفته گزندی نمی‌بینند.

این دسته دارای همتی والا و عزم و اراده‌ی آهنینی هستند، عقیده اسلامی با خون و گوشت آنها عجین شده، زیرا ارزشهای متعالی اسلام بر آنها حکومت می‌کند و یا مشغول کرداری بودند که در میزان اسلام دارای اهمیت و وزنه‌ی فراوانی بود.

- یکی از این راد مردان امام عادل است که با وجود قدرت و امکانات فراوان، از طغیان و فساد کردن فرسنگ‌ها فاصله گرفته و میان انسانها با عدالت رفتار می‌کند و عدل و قسط را مطابق با موازین و اصول شرعی پیاده می‌کند.

- یکی دیگر جوانی است که توام با بندگی خداوند پرورش یافته و نفس اماره را با لگام تقوی مهار کرده و به هوس و خواسته‌های نفس اماره، پاسخ رد داده و عمرش را بدون آرایش به گناه سپری نموده است.

- یکی دیگر کسانی اند که با طاعت و بندگی، مساجد خدا را آباد کرده و در فضایی معنوی آنها احساس سکون و آرامش می‌کنند و هرگاه از مساجد جدا شوند، روح و روانشان همواره متوجه مسجد خواهد بود.

- یکی دیگر کسانی هستند که صرفاً بخاطر خداوند با همدیگر محبت و دوستی می‌کنند و پیوند برادری آنها فقط بخاطر خداوند است، گردهمایی‌اشان در نیکی و تقوی و اصلاح است و جدایی آنها نیز مبتنی بر اعمال نیک خواهد بود.

- یکی دیگر کسانی هستند که زمینه گناه و فتنه در شکل زیباترین زن‌ها برای شان فراهم می‌شود، اما تقوی و ترس از خدا نمی‌گزارد مرتکب عملی خلاف میل پروردگار شوند.

- یکی دیگر کسانی هستند که فقط برای خشنودی خداوند انفاق میکنند، و انفاق آنها در پنهانترین شیوه صورت می‌گیرد، به گونه‌ای که خود هم از آن اطلاع پیدا نمی‌کنند.

- آخرین گروه کسانی هستند که دل‌هایشان سرشار و مملو از خوف خداوند است و بر اثر آن ترس و خوف در عالم تنهایی، اشک می‌ریزند.

خواندن نماز برای دفع زلزله:

قبل از همه باید گفت: که در شرع اسلامی برای دفع زلزله نمازی وجود ندارد، و هیچ

حدیثی از شخص پیامبر صلی الله علیه وسلم وارد نشده که ایشان (بجز برای کسوف) نمازی تحت عنوان دفع مصایب از جمله زلزله و یا دفع طوفان ها و سیلاب ها و غیره... خوانده باشد.

بر همین استدلال است که برخی از علماء: نماز خواندن را بجز برای کسوف و خسوف روا نمیدانند.

ولی هستند تعدادی از فقهای مذاهب که با استناد به روایتی از حضرت ابن عباس رضی الله عنه حکم نموده اند که: خواندن نماز (به همان شیوه ای که برای نماز کسوف خوانده می شود) در وقت روی دادن هر نشانه ای از آیات الهی مانند: زلزله، طوفان، سیلابهای ویرانگر... مستحب است؛ و روایت ابن عباس رضی الله عنه چنین است: «أنه صلي في زلزلة بالبصرة كصلاة الكسوف، ثم قال: هكذا صلاة الآيات». یعنی: «ابن عباس به دلیل زلزله شهر بصره همانند نماز کسوف خواند، سپس گفت: نماز آیات اینگونه است».

این روایت را ابن ابی شیبۀ (472/2) و عبد الرزاق (101/3)، و بیهقی در «السنن الکبری» (343/3) آوردند و بیهقی گفته: این عمل از ابن عباس ثابت است، و حافظ ابن حجر در (فتح الباری (521/2) آنرا صحیح دانسته است.

علامه کاسانی حنفی فرموده است: «نماز خواندن در وقت هر ترس و هراسی (که بر مردم وارد میشود) مستحب است، مانند: باد شدید، و زلزله، و تاریکی (در روز)، و باران مداوم؛ زیرا اینها از مخاوف هستند، و موجب هول و هراس اند...». (بدائع الصنائع (282/1). و در کتاب «منح الجلیل شرح مختصر خلیل» (333/1) از کتب مالکیه آمده: «و نماز زلزله و دیگر آیات مخوف شبیه وبا و طاعون مستحب است، بصورت جماعت با دو رکعت یا بیشتر».

و اما حنابلۀ تنها نماز زلزله را مستحب می دانند، و آنهم به دلیل روایت ابن عباس، غیر آنرا مشروع نمیدانند. نگاه به: «کشاف القناع» (66/2).

و در کتاب «التمهید لما فی الموطأ من المعانی والأسانید» (318/3) چنین آمده: «... و امام مالک و شافعی معتقد به خواندن نماز در وقت زلزله و تاریکی (در روز) و باد شدید نبودند، ولی گروهی از اهل علم از جمله امام احمد و اسحاق و ابوثور به نماز خواندن در این مواقع معتقد بودند، و از ابن عباس روایت شده که او در وقت زلزله نماز خوانده، و امام ابوحنیفه هم گفته: اگر کسی نماز بخواند خوب است، و اگر هم نخواند کدام ممانعتی ندارد».

و بعد مؤلف ادامه می دهد: از پیامبر صلی الله علیه وسلم وارد نشده که در عصر ایشان زلزله آمده باشد و سنتی در این باره (یعنی خواندن نماز در وقت زلزله) به صحت نرسیده، و اولین زلزله در عهد اسلام در زمان خلافت عمر رضی الله عنه بوده است.

حماد بن سلمه از قتاده از عبدالله بن حارث روایت می کند که در شهره بصره زمین لرزید، ابن عباس گفت: والله نمی دانم زمین لرزید یا زمین (زیر پای) من بود، لذا بلند شد و همراه مردم نماز کسوف خواند».

و اما امام نووی در (المجموع (61/5) می گوید که: امام شافعی معتقد بود که نماز آیات را می توان بصورت انفرادی در خانه و بدون جماعت خواند.

و شيخ الاسلام ابن تيميه معتقد بود كه خواندن نماز در وقت هر نشانه اي از آيات الهي مشروع است، مي گويد: «و نماز (به شيوه) كسوف براي هر آيتي مانند زلزله و غير آن خوانده مي شود، و اين قول ابوحنيفه و روايتي از احمد و محققين حنابله و ديگران است». (الفتاوي الكبرى (358/5). و اما شيخ ابن عثيمين درباره خواندن نماز بغير از كسوف و خسوف مي گويد: علماء بر سه قول اختلاف نظر دارند:

قول اول: براي هيچ آيتي نماز خوانده نمي شود بجز براي زلزله. و اين ها ميگويند: در زمان پيامبر صلي الله عليه وسلم باد و طوفان و بارانهاي شديد وجود داشته ولي نمازي براي اين موارد نخواندند، اما براي زلزله به روايت ابن عباس و علي ابن ابيطالب رضي الله عنهم استناد مي كنند كه آنها در وقت زلزله نماز خواندند، پس حجت آنها عمل صحابي است.

قول دوم: تنها براي خورشيد و ماه نماز خوانده مي شود، چون پيامبر صلي الله عليه وسلم فرمودند: «فَإِذَا رَأَيْتُمُوهُمَا فَصَلُّوا». يعني: «هرگاه خورشيد گرفتگي و ماه گرفتگي روي داد نماز بخوانيد». متفق عليه.

بجز اين دو براي هيچ آيتي از آيات تخويف (هولناك) نمازي خوانده نمي شود، و عمل ابن عباس اجتهاد شخصي ايشان بوده است.

قول سوم: براي هر آيت هولناكي نماز خوانده مي شود.

و دليل آنها چنين است:

1 - عموميت علت فرموده پيامبر صلي الله عليه وسلم: «إِنَّ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ آيَاتَانِ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ، يَخَوْفُ اللَّهُ بِهِمَا عِبَادَهُ». يعني: «همانا خورشيد و ماه دو نشانه از آيات الهي هستند، كه خداوند بوسيله آن دو بندگان را ميترساند». مسلم (911).

و گفتند: هر آيتي كه در آن ترس و هراس باشد، مي توان براي آن نماز خواند.

2 - سختي و هراسي كه در بعضي آيات ايجاد مي شود از سختي كسوف بيشتر است.

3 - آنچه از عمل ابن عباس و علي رضي الله عنهم روايت شده، دلالت مي كند كه نماز تنها مختص كسوف نيست، و هر چيزي كه تخويف و هراس داشته باشد مي توان براي آن نماز خواند.

4 - و اگر در زمان پيامبر صلي الله عليه وسلم باد و رعد و برق و مانند اينها بودند و نماز نخواندند، دليل بر خلاف گفته ما نيست؛ زيرا ممكن است آن باد معمولي باشد و مردم به شدت آن عادت گرفته باشند و براي آنها ترسناك نبوده باشد، .. درست است كه بعضي از رعد و برقها بسيار بزرگ و ترسناك است، ولي آيا رعد و برق زمان پيامبر صلي الله عليه وسلم هم تا اين حد ترسناك بوده؟ چه كسي مي تواند ثابت كند كه اينگونه بوده؟

اين راي سوم راي برگزيده شيخ الاسلام ابن تيميه است كه راجح هم همين است». (الشرح الممتع (193/5) با اختصار اندك و جزئي.

صدق الله العظيم و صدق رسوله نبي الكريم.

فهرست موضوعات و مطالب سُورَةُ الزَّلْزَلَةِ

شماره	نام سوره	معانی و محتوای سوره ها	صفحه
	سُورَةُ الزَّلْزَلَةِ	= الزلزلة محتوای سوره زلزله: این سوره نشانه های وقوع قیامت را بیان می دارد. سپس از شهادت زمین به اعمال انسان سخن گفته و از تقسیم مردم به دوه گروه «نیکوکاران» و «بدکاران» و اینکه هرکس به اعمال جزا خود خواهد رسید، بحث بعمل می آورد.	
1		- وجه تسمیه.	
2		- پیوند و ارتباط سوره زلزله با سوره البینه.	
3		- تعداد آیات، کلمات و حروف سوره.	
4		- زمان نزول سوره زلزله.	
5		- اسباب نزول زلزله.	
6		- فضیلت سوره الزلزله.	
7		- پیام های سوره زلزله.	
8		- محتوای سوره زلزله.	
9		- ترجمه و تفسیر سوره زلزله.	
10		- نظر علما در مورد کلمه «ذَرَّةٌ».	
11		- وظیفه کاری شیطان در روز حشر.	
12		- چگونگی حشر انسانها در روز قیامت.	
13		- پناه گزینان عرش الهی.	
14		- خواندن نماز برای دفع زلزله	

مکثی بر بعضی از منابع و مأخذها

1- تفسیر صفوة التفاسیر:

تألیف محمد علی صابونی (مولود 1930 م) این تفسیر در سال 1399 ق نوشته شده است. نویسنده در تدوین این تفسیر از مهم ترین و معتبرترین کتب تفسیر از جمله: تفسیر طبری، کشاف، قرطبی، آلوسی، ابن کثیر، البحر المحیط و... استفاده بعمل آورده است.

2- تفسیر انوار القرآن:

تألیف عبدالرؤف مخلص هروی. «تفسیر انوار القرآن» گزیده ای از سه تفسیر:

فتح القدیر شوکانی، تفسیر ابن کثیر و تفسیر المنیر و هبه الزحیلی می باشد.
سال نشر: 1389 هجری قمری - محل نشر: احمد جام - افغانستان

3- تفسیر المیسر:

تألیف: دکتر عایض بن عبدالله القرني (اول جنوری 1959 م مطابق 1379 هجری)
انتشارات: شیخ الاسلام احمد جام سال چاپ: 1395 هـ .

4- تفسیر کابلی

تفسیر کابلی (ترجمه فارسی ترجمه عثمانی) مفسر: شیخ الإسلام حضرت مولانا شبیر احمد عثمانی رحمه الله علیه، مترجم: شیخ الهند حضرت مولانا محمود الحسن رحمه الله علیه، ترجمه دری / فارسی: جمعی از علمای افغانستان.

5- تفسیر معالم التنزیل - بغوی:

تفسیر البغوی تألیف حسین بن مسعود بغوی (متوفی سال 516 هجری قمری) این تفسیر به زبان عربی نوشته شده، واز تفسیر الکشف والبیان ثعلبی بسیار متأثر می باشد.

6- تفسیر زاد المسیر فی علم التفسیر:

تألیف: ابن جوزی ابوالفرج عبدالرحمن بن علی (510 هجری/ 1116 میلادی - 12- رمضان 592 هجری) «زاد المسیر فی علم التفسیر» مشهور به «زاد المسیر»، تفسیر متوسط ابن جوزی میباشد که: این تفسیر خلاصه از تفسیر بزرگ وی بنام المغنی فی تفسیر القرآن می باشد.

7- البحر المحیط فی التفسیر القرآن: ابو حیان الأندلسی:

تألیف: محمد بن یوسف بن علی بن حیان نفری غرناطی (654 - 745 ق) مشهور به ابوحیان غرناطی. تفسیر «البحر المحیط» به زبان عربی می باشد. وی به تحقیق پیرامون کلمات هر آیه و اختلاف ترکیب ها و بلاغت، توجه خاصی مبذول داشته است.

8- تفسیر تفسیر القرآن الکریم - ابن کثیر:

تفسیر القرآن العظیم: تألیف عماد الدین اسماعیل بن عمر بن کثیر دمشقی (متوفی 774 ق) مشهور به ابن کثیر. که از علماء ممتاز و محقق قرن هشتم به شمار می آید. (جلال الدین سیوطی، مفسر و قرآن شناس بزرگ اسلامی می فرماید: ابن کثیر تفسیری دارد، که در سبک و روش همانندش نگاشته نشده است).

9- تفسیر بیضاوی:

یا «أنوار التنزیل و أسرار التأویل»، مشهور به «تفسیر بیضاوی» تألیف شیخ ناصرالدین عبد الله بن عمر بیضاوی (متوفی سال 791 هـ) در قرن هفتم هجری این تفسیر به زبان عربی تحریر یافته است. و در سال (1418 ق یا 1998 م) دار إحياء التراث العربی - بیروت - لبنان بچاپ رسیده است.

10- تفسیر الجلالین «التفسیر الجلالین»:

جلال الدین محلی و شاگردش جلال الدین سیوطی (وفات جلال الدین محلی سال 864 و وفات جلال الدین سیوطی سال 911 هـ) (سال نشر: 1416 ق یا 1996 م).
ناشر: مؤسسة النور للمطبوعات مکان نشر: بیروت - لبنان (این تفسیر در قرن دهم هجری بزبان عربی واز محدود تفاسیری است که توسط چند عالم نوشته شده باشد.

11- تفسیر جامع البیان فی تفسیر القرآن - تفسیر طبری:

علامه أبو جعفر محمد بن جریر بن یزید طبری متولد (224 وفات 310 هجری قمری)

در بغداد ویا (839 - 923 میلادی) (قرن 4 قمری، ناشر: دار المعرفة، محل نشر: بیروت) شیخ طبری یکی از محدثین، مفسر، فقهی و مؤرخ مشهور سده سوم قمری است.

12- تفسیر ابن جزى التسهیل لعلوم التنزیل:

تألیف محمد بن احمد بن جزى غرناطی الکلبی مشهور به جُزّی (متوفی 741ق) (ناشر: شركة دار الأرقم بن أبیالأرقم، بیروت - لبنان) یکی از موجزترین و در عین حال مفیدترین و فراگیرترین تفاسیر مغرب اسلامی است.

13- تفسیر ابو السعود:

«تفسیر إرشاد العقل السليم إلى مزايا الكتاب الكريم» تألیف: مفسر شیخ ابوالسعود محمد بن محمد بن مصطفى عمادی (متوفی 982) از علمای ترک نژاد می باشد. (محل طبع: مكتبة الرياض الحديثه بالرياض).

14- تفسیر فی ظلال القرآن:

تألیف: سيد بن قطب بن ابراهيم شاذلی (متوفی سال 1387 هـ). سال نشر 1408ق یا 1988 م. ناشر: دار الشروق، مکان نشر، بیروت - لبنان

15- تفسیر الجامع لاحکام القرآن - تفسیر القرطبی:

نام مؤلف: عالم و محقق مشهور اندلس (اسپانیا) علامه ابو عبد الله محمد بن احمد بن بکر بن فرح القرطبی (متوفی سال 671 هجری) هدف اساسی وی از تألیف این تفسیر استنباط احکام و مسائل فقهی از قرآن کریم بوده است.

16- تفسیر معارف القرآن:

مؤلف: حضرت علامه مفتی محمد شفیع عثمانی دیوبندی مترجم مولانا شیخ الحدیث حضرت مولانا محمد یوسف حسین پور.

17- تفسیر خازان:

نام تفسیر: «لِباب التَّأْوِيلِ فِي مَعَانِي التَّنْزِيلِ (تفسیر الخازان» تألیف: علاء الدین علی بن محمد بغدادی مشهور به الخازان (متولد ۶۷۸ و متوفای ۷۴۱ هجری می باشد).

18- روح المعانی (الوسی):

تفسیر «روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم» اثر محمود أفندی آلوسی است. (1217 - 1270ق) سال نشر: 01 يناير 2007 محل نشر، اداره الطباعة المنيرية تصویر دار إحياء التراث العربي.

19- جلال الدين سيوطي:

«الاتقان في علوم القرآن» تفسیر الدار المنثور في التفسیر با لمأثور» مؤلف: حافظ جلال الدين عبد الرحمن بن ابی بکر سيوطي شافعي. (۱۴۴۵ - ۱۵۰۵م) مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف 1426 هـ المدينة المنورة

20- زجاج: «تفسیر معانی القرآن فی التفسیر»:

مؤلف: الزَّجَّاجُ أو أبو إسحاق الزَّجَّاجُ أو أبو إسحاق إبراهيم بن محمد بن السري بن سهل الزجاج البغدادي است. (241 هجری - 311 هجری 855 - 923 میلادی)

21- تفسیر ابن عطية:

نام کامل تفسیر: «المحرر الوجيز في تفسير الكتاب العزيز ابن عطية» بوده مؤلف آن: أبو محمد عبد الحق بن غالب بن عبد الرحمن بن تمام بن عطية الأندلسي المحاربي (المتوفى: 542هـ) سال نشر: سنة النشر: 1422 - 2001، دار ابن حزم.

22- تفسیر قتاده:

أبو الخطاب قتادة بن دعامة بن عكابة الدوسي بَصْرِي (61 هـ - 118 هـ ، 680 - 736 م) . وی از جمله تابعین بوده ، که در علوم لغت ، تاریخ عرب ، نسب شناسی ، حدیث ، شعر عرب ، تفسیر ، دسترسی داشت . و در ضمن حافظ بود ، در بصره عراق زندگی بسر برده ولی نابینا بود . امام احمد حنبل درباره او می گوید: «او با حافظه ترین اهل بصره بود و چیزی نمی شنید مگر اینکه آن را حفظ می کرد، من یک بار صحیفه جابر را برای او خواندم و او حفظ شد.» حافظه او در طول تاریخ ضرب المثل بود. او در عراق به مرض طاعون در گذشت.

23- تفسیر کشاف مشهور به تفسیر زمخشری.

« تفسیر الکشاف عن حقایق التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل » مشهور به تفسیر کشاف. مؤلف : جار الله زمخشری (27 رجب 467 - 9 ذیحجه 538 هـ) این تفسیر برای بار اول در سال: ۱۸۵۶ میلادی در دو جلد در کلکته بچاپ رسید ، سپس در سال ۱۲۹۱ در بولاق مصر ، و در سال های ۱۳۰۷ ، ۱۳۰۸ ، و ۱۳۱۸ در قاهره به چاپ رسیده است. محل نشر: انتشارات دار إحیا التراث العربی.

24- تفسیر مختصر:

تفسیر ابن کثیر: مؤلف: ابوجعفر محمد بن جریر بن یزید بن کثیر بن غالب طبری مشهور به جریر طبری متولد 224 وفات 310 هجری قمری در بغداد (218 - 301 هجری شمسی) . تاریخ طبری مشهور به پدر علم و تاریخ و تفسیر است . سال طبع هفتم : 1402 هـ - 1981 م - محل طبع : دار القرآن الکریم، بیروت - لبنان.

25- مفسر صاوی المالکی :

«حاشیة الصاوی علی تفسیر الجلالین فی التفسیر القرآن الکریم » مؤلف : احمد بن محمد صاوی (1175-1241ق) است. سال و محل طبع : : بالمطبعة العامرة الشرفية سنة 1318 هجرية.

26- سعید حوی :

حَوّی، سعید، حَوّی، سعید، مفسر « الأساس فی التفسیر (یازده جلد؛ قاهره ۱۴۰۵) ، که از مهم ترین و اثرگذارترین آثار حوی به شمار می آید. سال نشر : 1424ق یا 2003 م ، محل نشر قاهره - مصر مؤسسه دار السلام

27- تفسیر کبیر فخر رازی:

تفسیر فخر رازی مشهور به تفسیر کبیر، شیخ الإسلام فخرالدین رازی (544 هـ - 606 هـ) تفسیر کبیر مهمترین و جامع ترین اثر فخر رازی و یکی از چند تفسیر مهم و برجسته قرآن کریم به زبان عربی است .

28- تفسیر سدی کبیر :

تفسیر سدی کبیر اثر «ابومحمد اسماعیل بن عبدالرحمان»، معروف به سدی کبیر، متوفای ۱۲۸ هجری قمری از مردم حجاز است که در کوفه می زیست. وی مفسری عالی قدر و نویسنده ای توانا در تاریخ، بخصوص درباره ی غزوات (جنگ های) صدر اسلام است. از تفسیر او به نام «تفسیر کبیر» یاد می شود که از منابع سرشار تفاسیری است که پس از وی به رشته ی تحریر در آمده است. «جلال الدین سیوطی» به نقل از «خلیلی» می گوید: سدی، تفسیر خود را با ذکر سندهایی

از «ابن مسعود» و «ابن عباس» نقل کرده است و بزرگانی چون «ثوری» و «شعبه» از او روایت کرده‌اند.

29- تفسیر المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز:

مؤلف: ابومحمد عبدالحق بن غالب بن عبدالرحمن بن غالب محاربی معروف به ابن عطیه اندلسی (481 - 541 هجری)

30 - تفسیر فرقان

تألیف: شیخ بهاء الدین حیسنی

31 - کتاب حاشیة محیی الدین شیخ زاده علی تفسیر القاضی البیضاوی

نویسنده: شیخ‌زاده، محمد بن مصطفی

زبان: عربی

ناشر: دار الکتب العلمیة

سایر نویسندگان: نویسنده: بیضاوی، عبدالله بن عمر - مصحح: شاهین، محمد عبدالقادر - نویسنده: شیخ‌زاده، محمد بن مصطفی .

32 - تفسیر گلشاهی

مؤلف: دکتر آناتواق آخوند گلشاهی

موضوع: ترجمه و تفسیر کامل قرآن کریم

33 - کتاب حاشیة محیی الدین شیخ زاده علی تفسیر القاضی البیضاوی

نویسنده: شیخ‌زاده، محمد بن مصطفی

زبان: عربی

34 - تفسیر مجاهد

تفسیر مجاهد، اثر ابوالحجاج مجاهد (21 - متوفی 102 یا 103 یا 104 یا 105ق) فرزند جبر و یا جبیر مکی مخزومی از مفسران تابعین و علمای علوم قرآنی است.

35- فیض الباری شرح صحیح البخاری:

داکتر عبد الرحیم فیروز هروی، سال طبع: 26 Jan 2016

36- صحیح مسلم - وصحیح البخاری:

گردآورنده: مسلم بن حجاج نیشاپوری مشهور به امام مسلم که در سال 261 هجری قمری وفات نمود. وگرد آورنده صحیح البخاری: حافظ ابو عبد الله محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن مغیره بن بردزبه بخاری (194 - 256 هجری)

37- تفسیر نور دکتر مصطفی خرم دل:

نام کامل تفسیر نور: «ترجمه معانی قرآن» تألیف: دکتر مصطفی خرم‌دل از کردستان: (متولد سال 1315 هجری، وفات 1399 هجری).

38- مفردات الفاظ القرآن:

از راغب اصفهانی. (خیر الدین زرکلی در کتاب «الأعلام» گفته: او اهل اصفهان بود اما در بغداد سکونت گزید، ادیب مشهوری بود، و در سال 502 هجری قمری وفات کرد». امام فخرالدین رازی در کتاب «تأسیس التقدیس» در علم اصول ذکر کرده که راغب از ائمه اهل سنت است و مقارن با غزالی بود. (بغية الوعاة 2 / 297 ، وأساس التقدیس صفحه 7).

39- تفسیر و بیان کلمات قرآن کریم:

شيخ حسنين محمد مخلوف (751هـ - 812 ق) ، اسباب نزول، علامه جلال الدين
سيوطي ترجمه: از عبد الكريم ارشد فاريابي. (انتشارات شيخ الاسلام احمد جام)

ترجمه و تفسیر «سورة الزلزلة»

تتبع و نگارش: امين الدين « سعيدى - سعيد افغانى »
مدير مركز مطالعات ستراتيژيكي افغان
ومسؤل مركز فرهنگي د حق لاره- جرمني
ادرس : saidafghani@hotmail.com

Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library